

ch : 09

مترجم

Momo

کاری از تیم

انیمه ساما

ادیتور

Aku





# S H I Z U E

## 神 淨

快看漫画独家  
主笔: Djace  
副: KRE  
责编: 半F

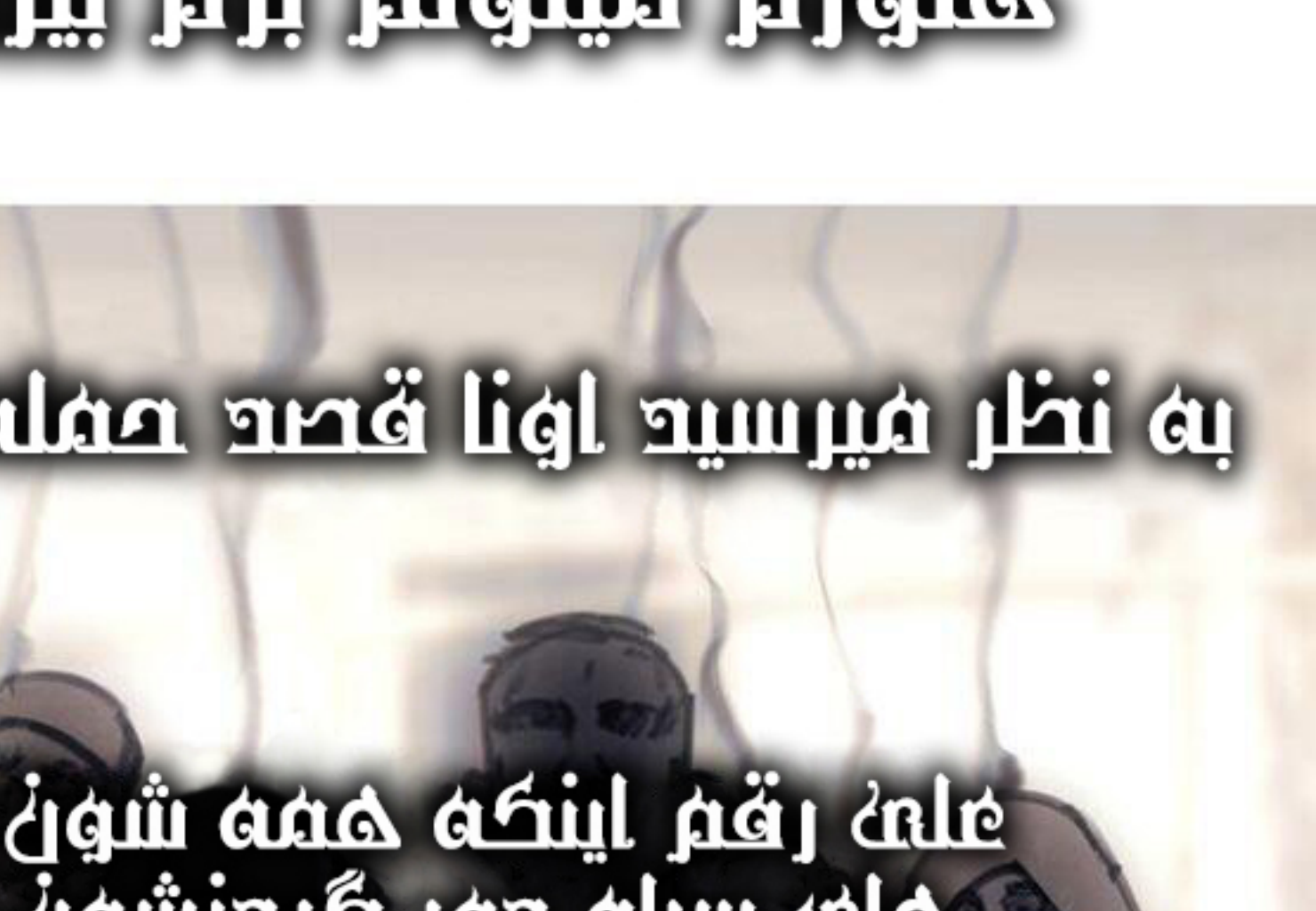


ANIME SAMA

از وقتى شروع شد،  
هميشه احساس عجيبى داشتم.



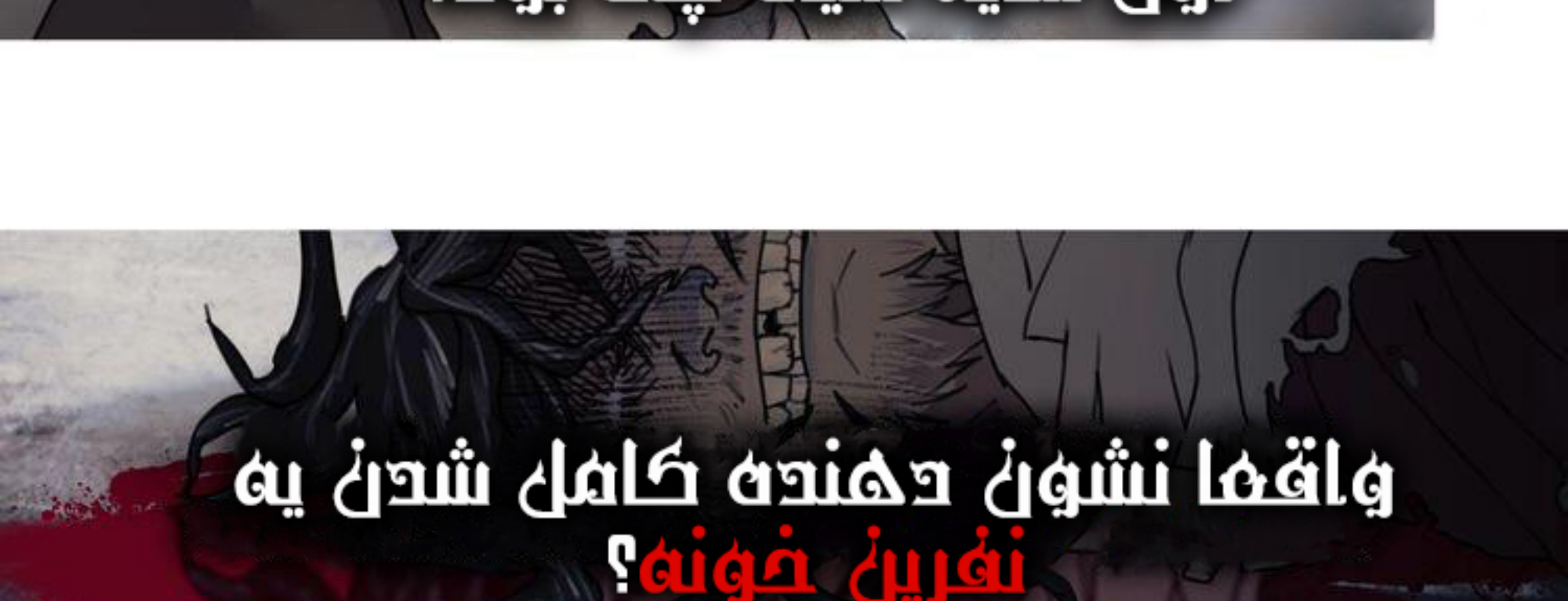
انگار كه اون اومده.



اومده پشت در،  
منظره نا امن بر من يروى.

هنوزم مينوانم بر من يروى؟

به نظر ميرسيد اون قاصد حمله نباشن.

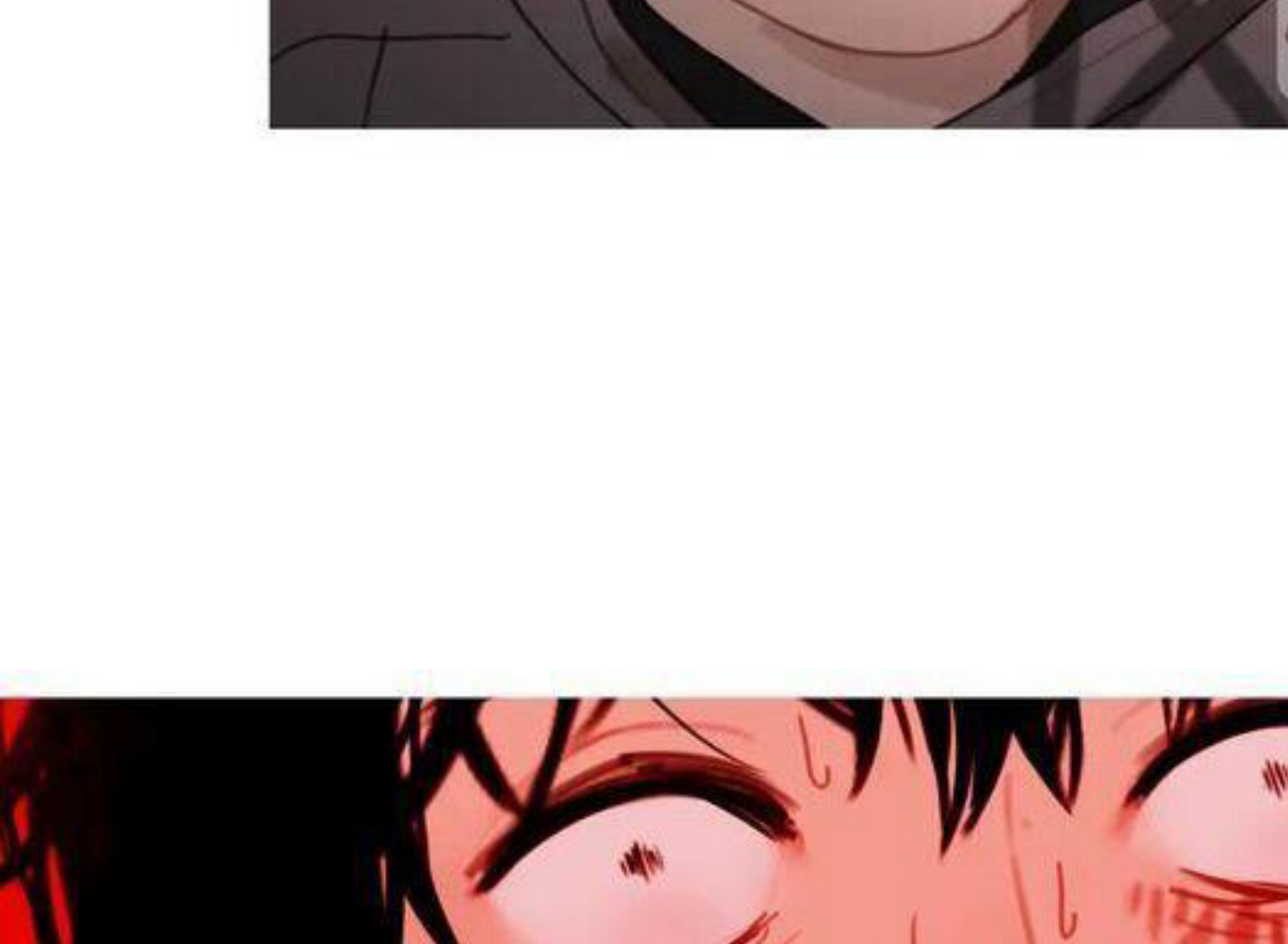


هله رقم اينكه همه شون طنايه  
هاله سياه دور گرانشون بود.  
هيچ سايه سياهى  
وچده نميشد.

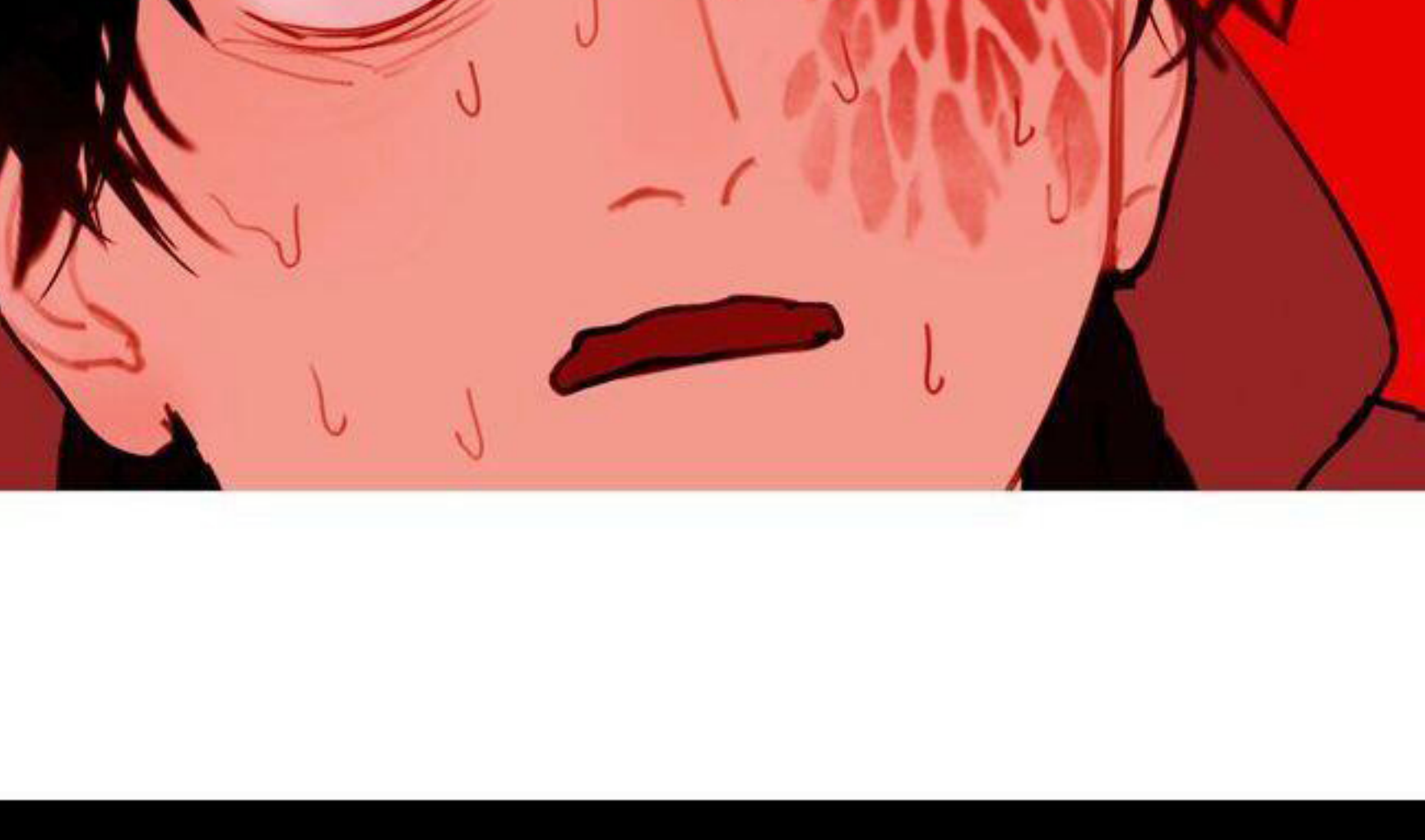
بندى  
مينوانسى باشه؟  
وقتي ارزو بكنى ظلمه ميشه؟  
اون سايه سياهى بود؟



واقعا نشون دهنده كامل شدن يه  
نفرين خونيه؟



...فرايموشن كن.  
الان همه نرين  
چيز اينه كه  
بفهمى روسايه  
سنگ كواسه.



快看漫画



ANIME SAMA





پدیدار میشه...



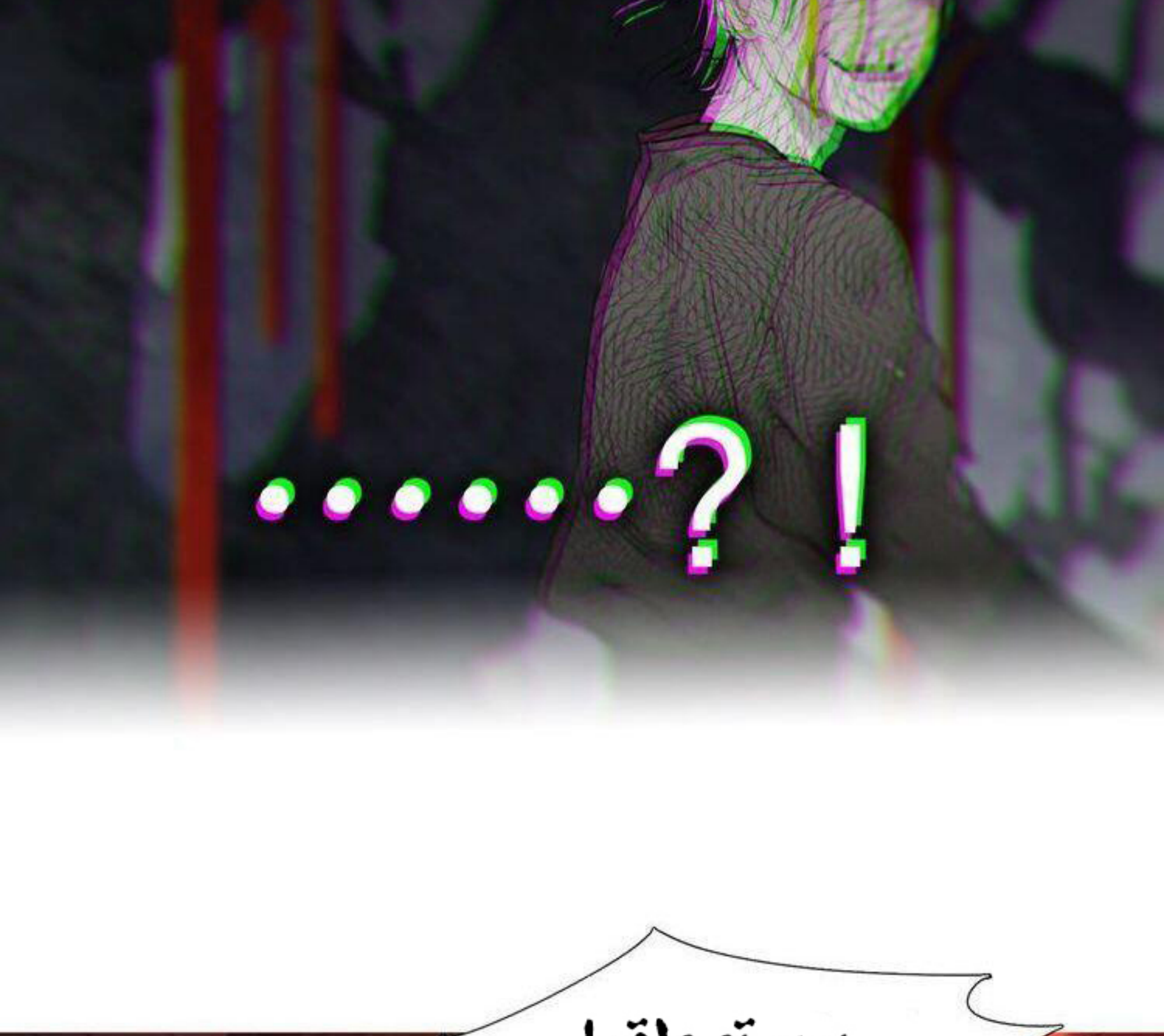
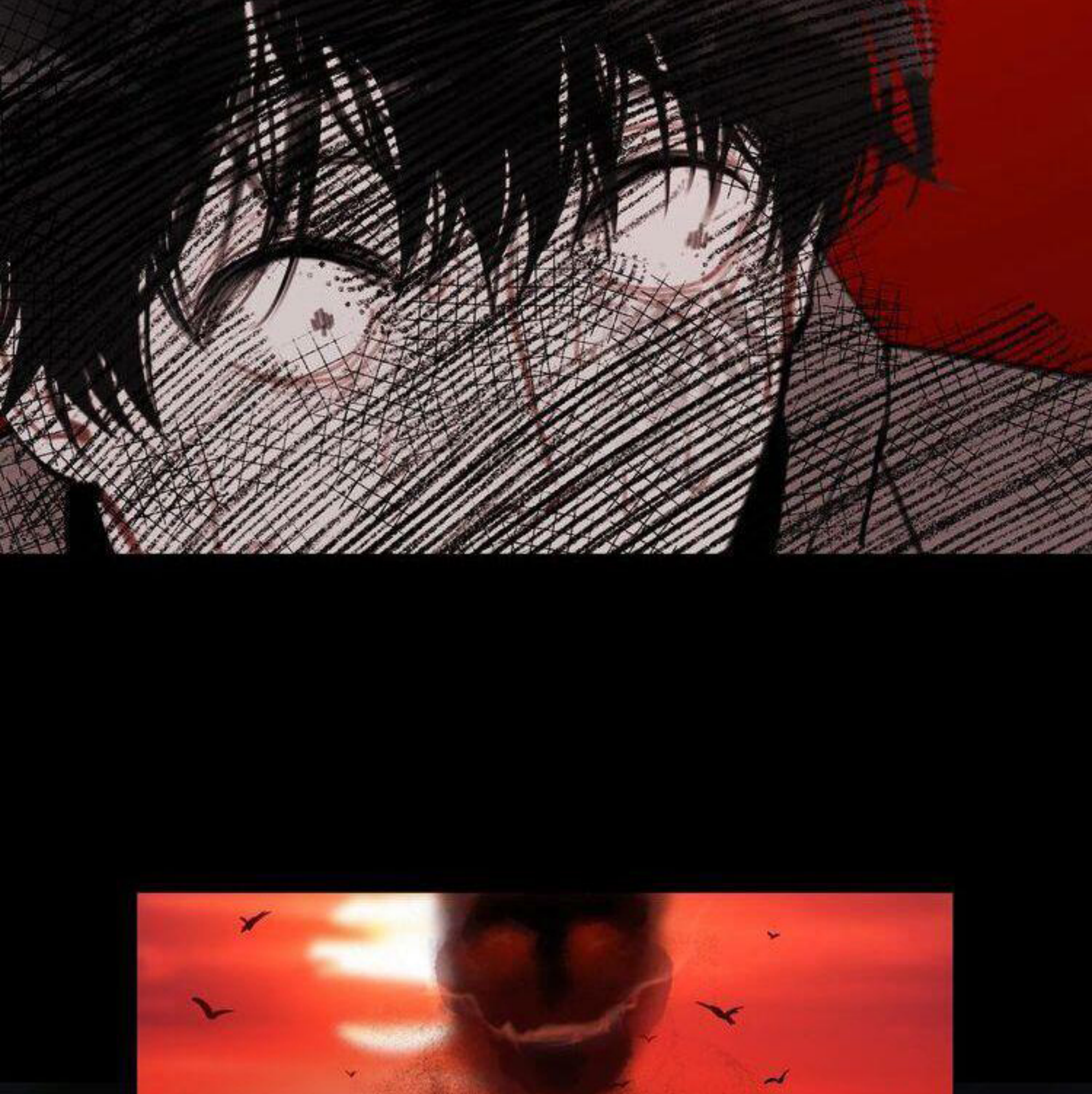
ANIME SAMA

اشاره میکنه

!؟



له کردن!



!؟



پس تو واقعا  
وچه داری!

اون چیزی که  
قبل تر نشونم دادی  
چی بود؟!



تو همه اون  
آدمارو کشتی؟

همینطورم این تو  
بودی که ملارو پرمو  
کشتی، درسته؟!



اوه  
عصبانی شد.

نزدیک شدن

چرا؟

چکار باید بکنم؟

نزدیک شدن

با وجود اینکه خیلی قویتر شدم،

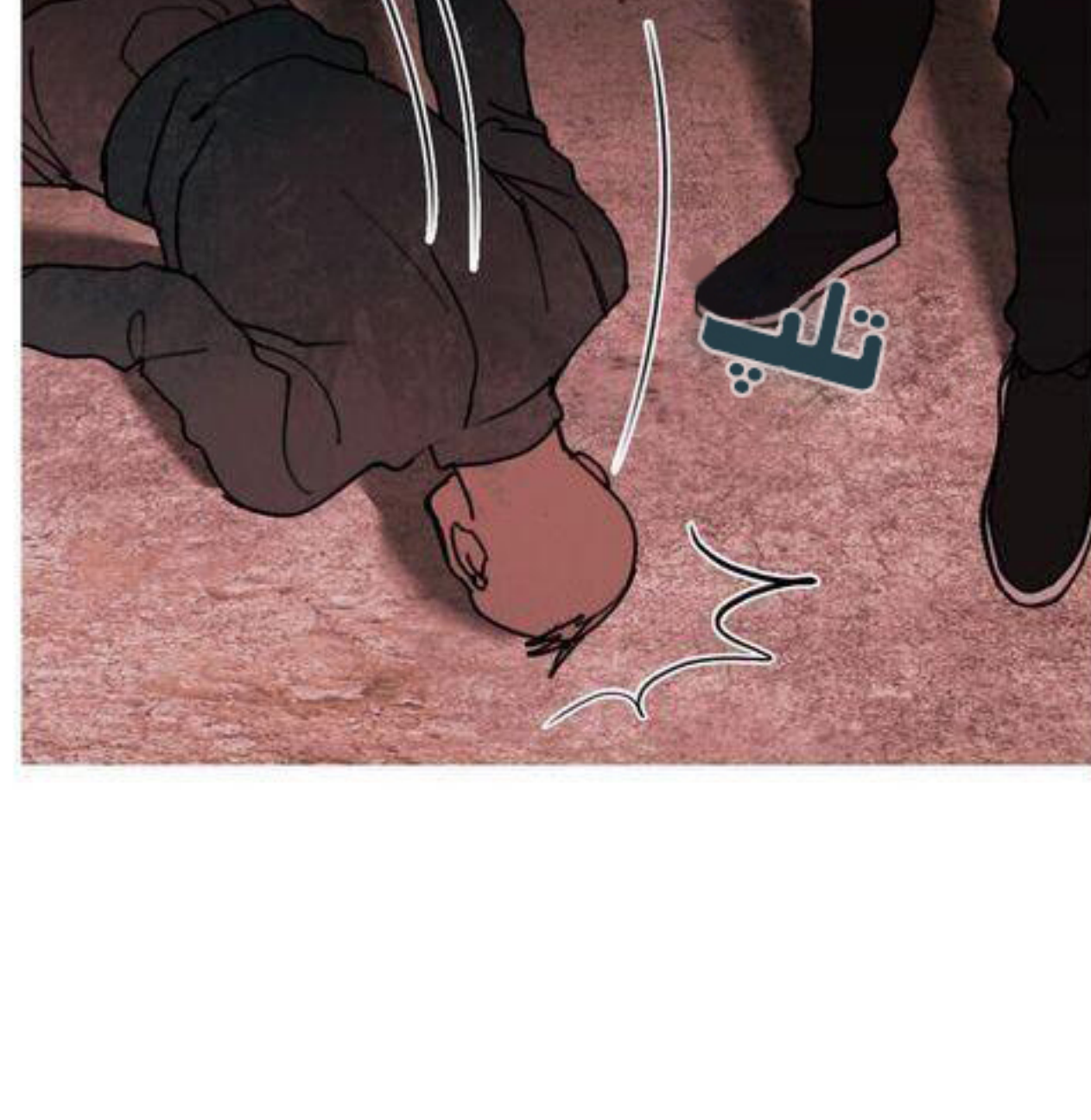
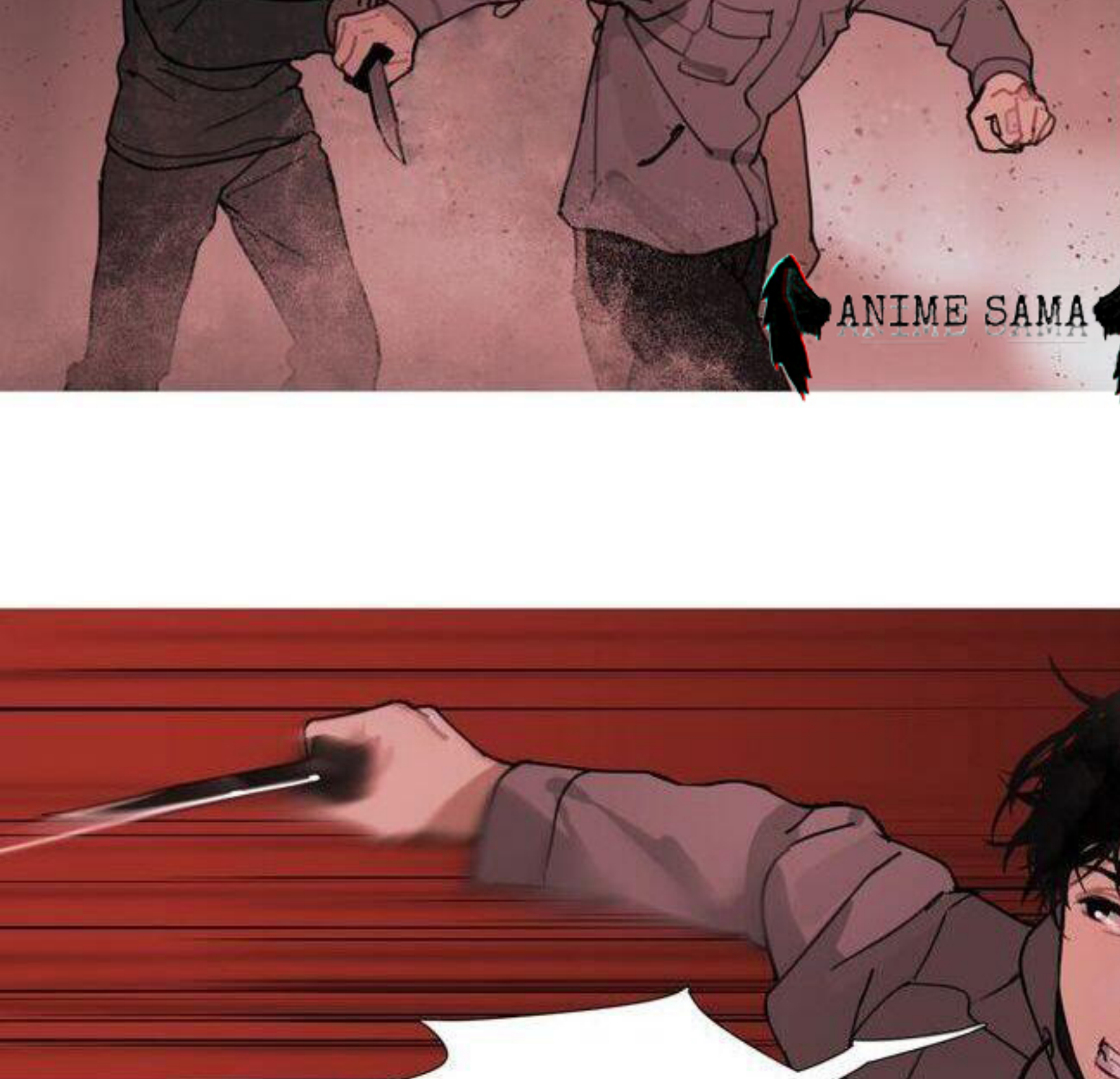
حاضر نیستم به کسی آسیب بزنم.



...ظاهرا طناب های سیاه فقط نشون دهنده  
آرزو هاشون نیست،  
"پیروان" اون موجود رو هم مشخص میکنه.

ANIME SAMA









خود واقعیت اینجا نیست.



همش به این موضوع فکر میکردم،

که اگه تو میتونی رفتار و حرکاتشونو کنترل کنی، چرا باید اطرافیان من با یه چیزی شبیه خودکشی میمردن؟

یا اینکه اگه میتونی جسم داشته باشی چرا فقط تو رویاهام میومدی؟

هیچکس وقتی از روستای سنگ بیرون اومده کسی شبیه تو رو ندیده.



به خاطر فاصله-ست.

هر چه قدر به روستا نزدیکتر باشی، قدرتت بیشتره،

برای همینم همیشه تو اون روستا میمونی.



بیشتر از ده سال پیش، تو ساکنین اینجا رو به دام انداختی تا بهت ایمان بیارن،

فقط به خاطر این بود که بتونی درونشون نفوذ کنی و بتونی آدمای بیرون از روستا رو هم بکشی؟

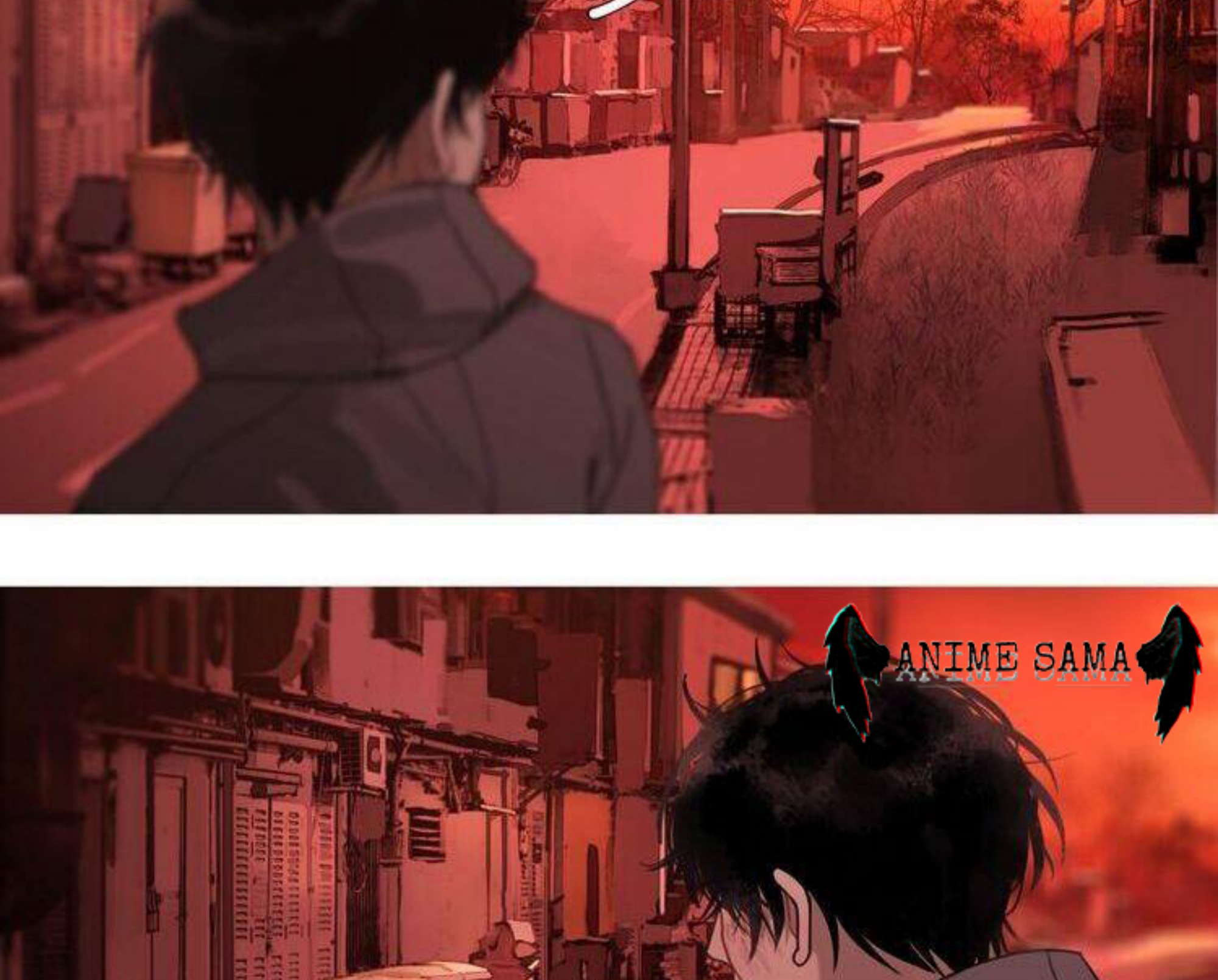
تو چی هستی، و هدفت از این کارا چیه؟



نمیشه که همه اینا فقط به خاطر دیدن من باشه، میشه؟



اشاره میکنه



روستای سنگ؟



اون رفته...



هوم؟

چه اتفاقی افتاد؟

او زمین میفته



